



چرا خشونت‌های خانگی افزایش یافته؟

یکی از آسیب‌ها در حوزه اجتماعی، همسرآزاری است که معمولاً در محیط بسته خانه شکل می‌گیرد و ازهم‌گسیختگی کانون خانواده را در پی دارد. طبق آمار، قربانیان اصلی خشونت در محیط خانواده، زنان هستند...

یکی از آسیب‌ها در حوزه اجتماعی، همسرآزاری است که معمولاً در محیط بسته خانه شکل می‌گیرد و ازهم‌گسیختگی کانون خانواده را در پی دارد. طبق آمار، قربانیان اصلی خشونت در محیط خانواده، زنان هستند، به‌طوری که براساس آماری که پزشکی قانونی در اختیار روزنامه فرهیختگان قرار داده است، در چهار ماهه نخست امسال 26 هزار و 723 نفر به دلیل همسرآزاری به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کردند، که از این تعداد 25 هزار و 820 نفر زن و 903 نفر مرد بودند.

این در حالی است که آمار مراجعان همسرآزاری در مدت مشابه پارسال 26 هزار و 436 نفر بوده که از این تعداد 25 هزار و 673 نفر زن و 763 نفر مرد بودند که رشد 1/1 درصدی را نشان می‌دهد. در مورد این افزایش با حسن حسینی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده‌ایم.

همسرآزاری به چه دلیلی رخ می‌دهد؟

رابطه زن و شوهر در سطح ابتدایی خود کنش متقابل و چهره‌به‌چهره است. این موضوع بسته به نظام اجتماعی قبلی زن و شوهر می‌تواند متفاوت باشد؛ نظام فرهنگی خانواده‌ها، جامعه و مدرسه و در سطح عام‌تر آن، نظام اقتصادی. فرهنگ جامعه ما در حال حاضر دو سویه است. در یک سو زنان و دختران دائم مقصر هستند. در چنین جوی، زن باید محدود شود تا مرد مرتکب تخلف نشود. این ضدزن بودن منجر به این مساله می‌شود که برخی از آقایان گمان کنند قدرت و جایگاهی فراتر از زن دارند و قانون هم بیشتر از آنها حمایت می‌کند و با توجه به این عوامل، می‌توانند دست به خشونت بیشتری بزنند. از آن طرف خانم‌ها هم مقاومت می‌کنند. این مقاومت اجتماعی را در سطح جامعه می‌بینید و در سطح خرد هم وجود دارد. یعنی در روابط زناشویی اگر زن احساس کند شوهرش زیاده‌خواهی می‌کند، ممکن است منجر به زد و خورد شود.

آیا خشونت تنها مربوط به کتک‌زدن در خانواده است؟

خشونت اشکال مختلفی دارد؛ خشونت‌های عاطفی، سمبلیک و فیزیکی. زن یا مرد به لحاظ روانی و جسمی می‌توانند طرف مقابل خود را مورد آزار قرار دهند. اما درنهایت خشونت بحثی فرهنگی است. ما در حال انتقال به شرایط جدیدی هستیم ولی این شرایط هنوز برایمان محقق نشده است. به همین دلیل کشمکش سنت و شرایط جدید (مدرن) وجود دارد.

سنت حاکم چقدر اعمال خشونت در خانواده را بالا می‌برد؟

در جامعه سنتی ما مرد یک سری اختیارات دارد و زن هم دارای وظایفی است و ازجمله وجوه مردانگی و شوهر بودن، خشن بودن است. در ضرب‌المثل‌ها هم ردپای این دیدگاه را می‌توان دید. در سال 1353 هجری شمسی دکتر کتبی از استادان سابق ما برای انجام پژوهشی به جنوب خراسان رفت و از زنان روستایی در آن منطقه سوال کرد که شوهرانتان شما را کتک می‌زنند یا خیر؟ آنها با تعجب محققان را نگاه می‌کردند و می‌گفتند اگر شوهری، زنش را کتک نزند، او را دوست ندارد؛ یعنی حتی دیدگاه متفاوتی در بحث دوست داشتن وجود داشت.

اما الان ما در جوامع شهری شاهد این خشونت‌ها در خانواده هستیم.

این مساله به دلیل نوع نگاه جدیدی است که زنان جامعه ما نسبت به حقوق و جایگاه انسانی خودشان دارند. این در حالی است که گویی مرد همچنان حقوقی برای اعمال خشونت علیه زن دارد. اما زنی که تحصیل کرده و جایگاه انسانی خود را می‌داند نسبت به ستمی که در حق او می‌شود واکنش نشان می‌دهد. روزبه‌روز تحصیلات دانشگاهی زنان ما بیشتر می‌شود و حتی تعدادشان با مردان برابری می‌کند. بنابراین زنان ما با یک سری مفاهیم و مسائل جدید آشنا می‌شوند و مثل مادرانشان هر نوع فشار و خشونت را قبول نمی‌کند.

اما در آمارها شاهد رشد شوهرآزاری هم هستیم که احتمالاً با آمار واقعی اختلاف زیادی دارد، چراکه اغلب آقایان به دلیل غرورشان کمتر زیر بار شکایت می‌روند و کمتر به پزشکی قانونی برای ثبت این مورد مراجعه می‌شود.

این موضوع هم امر جدیدی نیست و همیشه بوده است. در جوامع سنتی و توسعه یافته هم هست. اگر زن قدرت بدنی خود را برای مقابله با شوهر برابر ببیند در جواب سیلی، سیلی خواهد زد و با توجه به بستری که در آن رشد کرده ممکن است این آموزش را دیده باشد که در مقابل آزار همسرش بی تفاوت نباشد. در عرصه عمومی سطحی از خشونت مردان نسبت به زنان و برعکس آن وجود دارد ولی اغلب خشونت زنان نسبت به مردان کلامی و روانی است؛ یعنی زنان کمتر از خشونت فیزیکی استفاده می کنند.